

گامی به سوی توسعه سرمایه فکری

آموزش،
حرفه
معلمی

محمود محمدی
کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت

یادگیری مشارکتی

سرآغاز

در شماره گذشته، با روش ساختی مفهوم یادگیری، اهمیت و ویژگی‌های یادگیری مشارکتی بررسی شد. مقایسه روش یادگیری مشارکتی با شیوه‌های سنتی نشان داد که در تمام مراحل یادگیری، دانش‌آموزان سهیم و فعال‌اند و خودیادگیری آن‌ها تقویت می‌شود. از این رو، در این شماره، ضمن معرفی روش‌های یادگیری، رابطه آن با توسعه سرمایه فکری به بحث گذاشته می‌شود.

(پیش‌گفتار دوم)



روش بحث گروهی

(در این روش یک نفر به‌عنوان مدیر گروه انتخاب می‌شود که وظیفه‌اش زمان‌بندی و هدایت بحث است). ۶. تقویت قدرت بیان و استدلال (در این روش اکثر دانش‌آموزان فعال هستند و ساکت نمی‌نشینند)؛ ۷. تقویت قدرت تجزیه و تحلیل و تصمیم‌گیری؛ ۸. آشنایی با روش کسب اطلاعات و حل مسائل؛ ۹. ایجاد رابطه مطلوب اجتماعی (همان: ۲۷۵).

روش بحث گروهی گفت‌وگویی است سنجیده و منظم درباره موضوعی خاص که مورد علاقه مشترک شرکت‌کنندگان در بحث است (شعبانی، ۱۳۸۲: ۲۷۳). روشی که به یادگیرندگان فرصت می‌دهد نظرها، عقاید و تجربیات خود را با دیگران در میان بگذارند و اندیشه‌های خود را با دلایل مستند بیان کنند (همان: ۲۷۴).

روش همیاری

هدف نهایی از کاربردی‌ترین الگوی تدریس یادگیری از طریق همیاری، دستیابی به فعالیت‌های عالی ذهنی است. یادگیری از طریق همیاری که جان دیویی در شروع این قرن مطرح کرد، در چند سال اخیر از بحث‌های دائمی آموزش شده است.

در چه موقعیتی و برای تحقق چه هدفی می‌توان از روش بحث گروهی استفاده کرد؟

علاوه بر انتقال مفاهیم و تبادل اندیشه، برای نیل به اهداف زیر می‌توان از این روش استفاده کرد:

۱. ایجاد علاقه و آگاهی مشترک در زمینه‌های خاص؛
۲. زمینه‌سازی و پرورش تفکر انتقادی (یعنی شاگرد بتواند براساس استدلال و شواهد به تجربه و تحلیل بپردازد)؛
۳. تقویت توانایی اظهارنظر در جمع (بیشتر دانش‌آموزان از اینکه در کلاس اظهارنظر کنند، می‌ترسند)؛
۴. تقویت توانایی انتقادپذیری (به شرطی که انتقادگری به معنای عیب‌جویی و ایراد گرفتن نباشد)؛
۵. ایجاد و تقویت توانایی مدیریت و رهبری در گروه

«یادگیری از طریق همیاری راهبردی است که دانش‌آموزان را در قالب گروه‌های منسجم و پایدار برای کار و تماس با یکدیگر برمی‌انگیزد» (آقازاده، ۱۳۸۲: ۲۴). کار گروهی بخش اصلی فرایند رسیدن به یادگیری است. یادگیری از طریق همیاری، مسئولیت‌پذیری فردی را در میان تعاملات گروهی پرورش می‌دهد. به‌طوری

که به گفته آلیسون کینگ (۱۹۹۳) در یادگیری از طریق همیاری، نقش معلم از «دانای صحنه کلاس» به «راهنمای عمل» تغییر می‌یابد. دانش‌آموزان به صورت گروهی یاد می‌گیرند، در حالی که پیشرفت آنان در یادگیری، به صورت انفرادی ارزیابی می‌شود (به نقل از آقازاده، ۱۳۸۲: ۲۴).

مفهوم سرمایه فکری و اجزای آن

نخستین تلاش‌های مرتبط با مفاهیم سرمایه فکری مرهون مطالعات فریتز مچلاپ^۱ در سال ۱۹۶۲ میلادی است. اما به لحاظ تاریخی، «ابداع مفهوم سرمایه فکری» به سال ۱۹۶۹ میلادی و اقتصاددانی به نام جان کنت گالبرایس^۲ نسبت داده می‌شود» (خاوندکار، ۱۳۸۸: ۴۶). از نظر توماس استوارت^۳: «سرمایه فکری بسته دانشی مفیدی برای سازمان است.» (استوارت، ۱۹۹۷: ۴۲). در واقع، وی سرمایه فکری را از لحاظ منابع سازمانی، ثروت‌آفرینی از راه سرمایه‌گذاری در دانش، اطلاعات، دارایی فکری و تجربه تعریف می‌کند. در تعریف کلی «سرمایه فکری عبارت است که به ترکیبی از دارایی‌های نامشهود اطلاق می‌شود که سازمان را قادر به عملیات می‌کنند.» (ادوینسون و همکاران، ۱۹۹۷، به نقل از خاوندکار، ۱۳۸۸: ۵۰). به اعتقاد بنتیس (۱۹۹۸ نقل از همان)

سرمایه فکری عبارت است از تلاش برای استفاده مؤثر از دانش (محصول نهایی) در مقابل اطلاعات (ماده خام).

سرمایه انسانی عبارت است از عناصر گوناگون منابع انسانی شامل نگرش، شایستگی‌ها، تجربه‌ها و مهارت‌ها، دانش ضمنی و نوآور بودن، استعداد و دانش ضمنی موجود در ذهن افراد در سازمان‌ها. سرمایه انسانی به‌عنوان یک منبع نوآوری و بازسازی راهبرد برای سازمان‌ها مهم است. این نوع سرمایه قابلیت‌های ترکیبی کارکنان هر سازمان را تشکیل می‌دهد و سرمایه درونی در میان افراد است و سازمان قادر به اکتساب و تملک آن‌ها نیست.

سرمایه ساختاری به یادگیری و دانش مقرر در فعالیت‌های روزمره گفته می‌شود. مجموعه دانشی که در هر سازمان در پایان روز و بعد از اینکه افراد سازمان را ترک کردند، باقی می‌ماند، هسته اصلی سرمایه ساختاری را نشان می‌دهد. سرمایه ساختاری زیرساختار حمایتی سرمایه انسانی محسوب می‌شود و شامل همه ذخایر



سرمایه انسانی

عبارت است از

عناصر گوناگون

منابع انسانی

شامل نگرش،

شایستگی‌ها،

تجربه‌ها و

مهارت‌ها، دانش

ضمنی و نوآور

بودن، استعداد

و دانش ضمنی

موجود در ذهن افراد

در سازمان‌ها

غیرانسانی دانش در سازمان‌ها مانند پایگاه داده‌ها، راهنمای فرایندها، راهکارها، رویه‌ها، فرهنگ سازمانی، انتشارات و کپی‌رایت‌ها می‌شود که برای سازمان‌ها ایجاد ارزش می‌کنند و بنابراین به ارزش مادی آن‌ها می‌افزایند.

سرمایه رابطه‌ای (مشتری)، روابط رسمی و غیررسمی هر سازمان را با ذی‌نفعان خارجی و ادراک‌های آن‌ها درباره سازمان و نیز تبادل اطلاعات بین سازمان و آن‌ها مشخص می‌کند. سرمایه رابطه‌ای برای هر سازمانی اهمیت دارد، زیرا با ربط دادن سرمایه انسانی و سرمایه سازمانی با سایر ذی‌نفعان خارجی، مانند یک عنصر افزایش‌دهنده ارزش‌آفرینی برای سازمان عمل می‌کند (خاوندکار، ۱۳۸۸: ۵۱). این سه جزء سرمایه فکری، وابستگی متقابل دارند. سرمایه فکری از راه ترکیب، به کارگیری، تعامل، یکپارچه‌سازی و ایجاد تعامل بین سه جزء خود و نیز مدیریت جریان دانش بین آن‌ها، بهترین ارزش ممکن را برای سازمان‌ها می‌آفریند.

مقایسه یادگیری مشارکتی و سرمایه فکری نشان می‌دهد که با افزایش یادگیری مشارکتی، سرمایه فکری تقویت می‌یابد

ویژگی‌های یادگیری مشارکتی

از آنچه گفته شد می‌توان ویژگی‌های یادگیری مشارکتی را در موارد زیر خلاصه کرد: در رویکرد مشارکتی، دانش‌آموزان هم از یکدیگر و هم از معلم می‌آموزند. مشارکت فعال موجب افزایش یادگیری در دانش‌آموزان می‌شود و دو فکر بهتر از یکی است. بر این اساس، یاددهی - یادگیری مشارکتی می‌تواند به نظرگاه‌های بهتر و بیشتر، چشم‌اندازهای تازه‌تر و راه‌حل‌های پخته‌تر منجر شود. یادگیری فعال و مشارکتی، در مقایسه با یادگیری انفرادی و رقابتی، معلومات بیشتر و عمیق‌تری در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد. انگیزش ناشی از هم‌کوشی به وجود آمده در محیط‌های مبتنی بر همیاری برای رفتار، بیش از محیط‌های مبتنی بر رقابت و فردگرایی است.

رابطه یادگیری مشارکتی و سرمایه فکری

با توجه به ویژگی‌های دو مقوله یادگیری مشارکتی و سرمایه فکری که در بخش قبل اشاره شد، و با عنایت به اهداف پژوهش که تبیین ارتباط بین یادگیری مشارکتی و سرمایه فکری و توسعه و تقویت آن بوده است، از طریق جدول مقایسه‌ای زیر، به راه‌های افزایش یادگیری مشارکتی می‌پردازیم و به عواملی که از این طریق موجب افزایش سرمایه فکری می‌شود، اشاره می‌کنیم.

با توجه به موارد هشت‌گانه جدول مقایسه و تبیین ویژگی‌های کلی یادگیری مشارکتی و سرمایه فکری، هرچه یادگیری مشارکتی افزایش یابد، سرمایه فکری (و عناصر آن) در گروه نیز توسعه، تقویت و افزایش خواهد یافت.

چگونگی افزایش:

(سرمایه فکری)	(یادگیری مشارکتی)
۱. استفاده مؤثر از دانش (سرمایه انسانی)	۱. استفاده از دانش و مهارت و استعدادها یادگیرنده
۲. افزایش بازده سرمایه فکری (انسانی) افراد	۲. یادگیری حاصل از مشارکت فکری و ابتکار دیگران موجب ایجاد دانش جدید
۳. افزایش عنصر ساختاری سرمایه فکری (دانش روزمره و مرحله‌ای گروه)	۳. یادگیری مرحله به مرحله مراحل یادگیری
۴. افزایش عنصر ساختاری و سرمایه انسانی (افزایش قابلیت‌های ترکیبی و درونی بین افراد)	۴. یادگیری اعضا از طریق رفاقت و مشارکت گروهی نه رقابت و ممارست فردی
۵. افزایش ارزش سرمایه فکری	۵. اخذ دانش بیشتر و عمیق‌تر
۶. افزایش سرمایه فکری	۶. میزان بیشتر موفقیت در یادگیری مشارکتی
۷. سرمایه رابطه‌ای (تبادل اطلاعات بین گروه)	۷. لزوم ارتباط بین افراد گروه‌های مشارکتی
۸. افزایش سرمایه رابطه‌ای (ارزش‌های ارتباطی)	۸. ایجاد تغییرات در رفتار و ارزش‌های افراد و رابطه صمیمی بین آن‌ها

پی‌نوشت

- منابع
۱. محرم آقازاده، (۱۳۸۲). استفاده از گروه‌های یادگیری همیار در کلاس درس. <http://www.hamshahrionline.ir> ۱۳۸۸/۵/۱۵
 ۲. محمد احمدیان و محرم آقازاده، (۱۳۷۸). راهنمای روش‌های نوین تدریس برای آموزش و کارآموزی. انتشارات آبی، تهران.
 ۳. حیدر تورانی (۱۳۸۵). بررسی دلالت‌های نظریه‌ها و سبک‌های مدیریت در بروز نوآوری. فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی. شماره ۱۵، سال پنجم، ص ۸۵-۱۱۳.
 ۴. جلیل، خاوندکار، احسان، خاوندکار و افشین، متقی. (۱۳۸۸). سرمایه فکری مدیریت توسعه، مدل‌های سنجش. چاپ اول. مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران، تهران.
 ۵. ری، دیوید (۱۳۸۲). پژوهش در کلاس درس، ترجمه محمدرضا سرکار آرنای و علیرضا مقدم. مؤسسه فرهنگی منادی تربیت، تهران.
 6. Bontis, N. (1998) "Intellectual capital: an exploratory study that develops Measures and models". *Managing, Decision* Vol. 36. No. 2, pp. 63-76.
 7. Johnson, D. W., Jounson, R. T., & Smith, K. A. (1991), *Cooperative Learning Increasing Faculty Instructional Productivity*, ASHE-ERIC Higher Education Report, No. 4. Washington DC: The George Washington University, School of Education and Human Development